

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی - استرالیا

۰۹ نومبر ۲۰۲۲



داکتر محمد کریم فارغی

## حکومت ها همرنگ مردم آن است!

افلاطون



آنچه از زشت و بد در بُعد اخلاقی، اجتماعی و سلوکی مردم ما طی دو دوره حاکمیت طالبان و قبل بر آن در زمان تسلط مجاهدین واقع گردید، ریشه در ذهنیت ها و طرز تفکر افشار وسیع مردم ما داشته است. تحصیل کرده ها و شهر نشین های ذهنیت گرا با طرز دید دوگانه، در پیشاپیش تاریک اندیشان مرتجع قرار گرفته و تردید جامعه را در پذیرش ارزش های تمدنی جدید بیشتر ساخته است.

در زمان تسلط مجاهدین در وزارت صحت عامه و در دیپارتمنت خدمات صحتی اساسی (PHC) کار می کردم. روز اول پس از تحول مطابق معمول با لباس رسمی به دفتر رفتم، تعدادی از کارمندان شعبات مختلف، با لباس های محلی به وزارت آمده بودند، البته خانم ها چادری به سر شان داشتند. از یکی دویی پرسیدم، آیا به شما کسی گفته است لباس محلی بتن کنید؟ با لبخند جواب می دادند، "والله برادر های مجاهد آمده اند دیگه!!" باز می پرسیدم آمده اند، آمده اند، این به طرز لباس شما چه ارتباط دارد؟ هیچ من و هیچ آنها..... آقای "نجیب مجددی" وزیر صحت عامه بود، پس از یک تأخیر به وزارت آمد و یکی از روز ها پلان باز دید از شفاخانه ها را در همراهی نماینده های چند ریاست از جمله

بخشی که من کار می‌کردم، گرفت. در شفاخانه علی آباد در بخش داخله داکتر صاحب "وهاب اشرف" با پیراهن و تنبان و چین سفید بالایش به استقبال آمد، مجددی صاحب با احترام زیاد با او دست داد و خیلی خوشی هم نشان داد که استاد وهاب اشرف را پس از سالها صحت و سلامت می بیند، ولی او با تعجب از او پرسید، استاد! آیا به شما کسی گفته است تا با لباس محلی به شفاخانه بیائید؟ استاد با لبخند جواب داد، نخیر کسی نگفته است ولی ما خود به خاطر احترام مجاهدین به آن پرداخته ایم.

به هر حال بازدید از شفاخانه ادامه یافت و در اخیر همه در اتاق رئیس شفاخانه باهم نشستیم. پس از ارائه نکات مورد ارزیابی توسط وزیر، او به طرز ارائه داکتر ها و کارمندان پرداخت و قسماً اظهار تأسف کرد که محیط کاری کابلی که در آن تحصیل کرده و کار کرده بود و حاکی از سلیقه و طرز ارائه منحصر به خودش بود، امروز در اثر خاک باد و تپ تپ پای مجاهدینی که در دشت ها و کوه ها به سر می بردند و کمتر از محیط کابل اطلاع داشتند، به چه آسانی دگرگون گشته است.

برادر ها! ما نمی توانستیم در جبهات جنگ لباس های رزمی و یونیفورم داشته باشیم، لذا لباس محلی را به خاطر عدم شناخت ما به وسیله دشمن، انتخاب نموده بودیم. توقع ما این بود که وقتی مجاهدین به کابل و سایر شهر ها بروند، تحت تأثیر مردم شهر نشین و متمدن قرار خواهند گرفت و نه تنها ظاهر شان بلکه سلوک و آداب شان نیز تغییر خواهند کرد ولی این را باور نداشتیم که شما قبل از آنها خود را مثل روستائیان و مردم محلات در آورده باشید. از همین لحظه به شما ابلاغ می کنم که قسمی که همیشه بودید، همانگونه باشید و وقتی به وزارت رفتم درین مورد مکتوبی خواهیم نوشت و طی آن به این موضوع خواهیم پرداخت ....